

خواهی پس عطا و اسد قندی در تمامه جز فی بعضیها و کم که اولی که بخواهد رعایت است
 علی السلام است که بود تا در کتب و در مشق **تاریخ** از برای سال اینست
 جمع کرده اند و کتبه ان ملک سلوک اگر از وقایع وقوع سوال کنی تاریخ او
 بگویند که غریب اول زمانند بر تو شخص بود که نامی انوش و بیکله ستور و دیگر
 اول شدی و ولد ماجد و ولایت اناطولی به صدر عالمه و اولد قده تا به سعادت
 و یونان رخ و کیش غایت عاینه بهایت و غایت بود و نظر لکلام مقصودم
 و کل **اصحابی** او در تلب ز ما نیز خلف ناصبه حالنده ظاهر و همید اول و اول مانده
 باوصا بر برده آرام و بیچیکو بشده مقام تمیزی سلطان باریدقان را مانده
 کیش پیش شغ کا مل و استغاری و بیچیکو خارج و کل اولد خرد و زنده اولی

استغاری یا لکه علی چون و صلا لایزال	سویست به بن اجد عیاره ابر و استیصال
عین و بیرون کشفه زمان بود	دل خواص غنچه بود اوج در فال الموعول
لکن شکر باشکی که ارجح حال و اردو شکر	اول مگر لفظ لرزیده دوش فاشتر
تاب بندن لرزه کوشه بیچیکو جانمانی	ما ز غیرت کل ایدر اجرائی یا فرجامی

صحبی قضایه ما بین و حکم داده و بیکله معروف در نامی مصطفی در هجوم مؤید راه و دل
 ملازم اولد و نصیحه قلمیده در کین قضایه ستمه سلوک با و با ناطولی و روم
 المینده قضایه کسره و کسره نیرها که اول شدی آنخصو فی رده قلمی کین صحیح حیاتیته
 شب ممت بدل و وجودی صحنه کوشه صحیح مقام و حال اولدی قدری انفسی و جمله
 مصاحبه مقارن اولد قده نوره بنایسته مطهر و معاون ایدی صحیح صادق
 سوغایقی آقا قده منته و بعضی مطالع و اسباب شکر او کیش در بونر ای کلکات بنی قلم
 رزم ستم شرح بیرون زمان او شده
 کسینه که عجزه که اصله خزانه در
 و برید صبا به کا کلکی و استک می
 اقدی بر سر و کول صوبی کدن کینه
 کوزارم باشی بیکله دل که خطک
 هر قدم و بیکله حاشی قلم مال ایلد

اول دانه قلم و جاک ریان اولد	کم سینه لرله طلعه و اعترش نه در
باشن حقیر نه رفیقی پراستک کجا	جو بیار اولدی نیکه سینه کین
شهر آتش و شکر کس بودن کینه	جکوب اول طفل بر بنام سمنین کینه

صبا

صحبی

صحبی شد بیکله طیب و یواره * که بیکاه جکوب لاکمندی کوز
 بن شمسید لغت عشق تن غنار بر بنم * برده شش بصری رسم از ارم در
 روم و زنده ادمم روح بر او بشا اید * کوز لرم باشی که ای حین موم در
صحبی کوز افریاض و اشعار و کانه عین انار و صفت انواع از آن آینه حال
آثار حیات **صحبی** **تختها** **الانما** اولد ان شهر بر سواد و در صحیح و جودی ظاهر و
 بدو را اولد در با با صحیح بر لرا اما خطیب خدمت مشایخ و الد ماجدین **صحبی**
 بر روشن خوش زوشق استندیده اطوار و زو سما بر سما نوان اولد ز
 جزان لرکله بلبلانی خاصیت و لال اولد شوی نیکم و الد ماجدین **صحبی**
 بر کل ایدر علی شوق و خردن فایز اول کلدی لایه خزان کجی زمانی لیلک
 خلص نور فرزند پوسشده نیکه ساید و ب رقیه و شوخی زلف تعریفان
 نقلیکیش ایدی حال قضایه هلاک شده عالم اولد اولد کمال طره که کشفه
 راه سیدر سما عجب اولد که اغاز و نه تکانه سندن ملازم اولد اول
 زانده مطالب دامانی دنیا فانی کل لیل و اجساد غولانی کلاه خلود و دودان
 عطل اولد و عینه عالم و عارض اولد قده سبب محو است خوار شدن تار و ایزدی
 مطالب ناصیدن تائب و ائب دیده باطن و چشم مله بن ساطع قضایات
 کلر چشم دوخته هوای قضای عالم و کروه ظاهر و بصیرت نظریه مشا و صوب
 فایز کوز یوسب تمام حال با کرا که ان قضا اولد و حسابی الی بر عذر اولی که زنده
 آالی ایدوب سالب تعینت جهان و طالب کوشه و عرفان و مشهور بود با ایل بعضی
 مشایخ زمان خدمتند و امن بر میاید و با اول حیات حلیه تک تار ظاهر و عیان
 اولدی که شایع عزایات سلطان اولدی بنامه قده بیا نده اگر اشعار قصه و
 و تحقیقانه در زمانه قوا و لان جبل المین صفت فی اکتفا و معاین و مینا کسری و شوخی
 و صداقت سده از بر حسن اولد بودن زنده مجرای برای اولان خاتمه شد نامه و شوخی
 و کله ای بود که استمار و بوجه قریه و بیل و زمین اجسما است و کیدر **صحبی**
 حاجیان ره شغ و مقیم عرفات * عرفانی که نشان نمیدهد از آفات
 را بر عیب دل کرده خراجان و مشق * بدر و دست بنامه بوساطت حاجیان

صحبی

۱۹